





دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی پردیس نمین  
گروه زبان و ادبیات فارسی

## تحلیل تطبیقی ساختار معنایی چند غزل از حافظ و شهریار

استاد راهنما:

دکتر عسگر صلاحی

استاد مشاور:

دکتر خدابخش اسداللهی

توسط:

پیام نوزادحور

دانشگاه محقق اردبیلی

تابستان ۱۳۹۱



## تحلیل تطبیقی ساختار معنایی چند غزل از حافظ و شهریار

توسط:

پیام نوزاد حور

پایان نامه برای اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه محقق اردبیلی

اردبیل-ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه.....عالی.....

دکتر عسگر صلاحی (استاد راهنما و رئیس کمیته).....

دکتر شکراله پورالخاص (داور داخلی).....

دکتر..... (داور خارجی).....

دکتر خدابخش اسداللهی (استاد مشاور).....

بهترین تقدیم‌ها

ارزانیِ پدران و مادرانی باد که نگاه پر مهر آنها پشتوانه‌ای برای فرزندان در تمامی مراحل زندگی است.

و تقدیم به امیر محمد که محفل گرم خانواده‌ی ما را روشنایی بخشیده است

و به آنان که دوستشان داریم و دوستان دارند.

## سپاس‌گزاری:

سپاس خدای را که توفیق نمود تا بتوانم این پایان‌نامه را به سرانجام برسانم.

سپاس دارم از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر صلاحی که با راهنمایی ارزنده‌ی خویش، بنده را در اجرای پایان‌نامه یاری فرمودند.

از استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر اسداللهی که همواره در تمامی مراحل اجرای پایان‌نامه، بنده را از مساعدت و یاری خویش بهره‌مند کردند، تشکر می‌کنم.

از استاد بزرگوار دکتر شکراله پورالخاص که زحمت بازخوانی و داوری این پایان‌نامه را متقبل شدند سپاسگزاری می‌نمایم.

از اساتید محترم گروه زبان و ادبیات فارسی که شش سال در جهت اعتلای علمی و معنوی بنده، عنایات بسیاری را مبذول داشتند و همواره از حضور پر مهرشان بهره‌مند بودم، نهایت سپاسگزاری را دارم.

از دوستان عزیزم آقایان کیوان فروغی‌راد، مالک قاسمی و مهدی عیسی‌زاده که در اجرای پایان‌نامه بنده را یاری فرمودند، تشکر می‌کنم.

نام خانوادگی دانشجو: نوزادحور		نام: پیام
عنوان پایان نامه: تحلیل تطبیقی ساختار معنایی چند غزل از حافظ و شهریار		
استاد رهنما: دکتر عسگر صلاحی		
استاد مشاور: دکتر خدابخش اسداللهی		
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات فارسی	گرایش: محض
دانشگاه: محقق اردبیلی	دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی	
تاریخ فارغ التحصیلی: ۹۱/۴/۲۷	تعداد صفحه: ۱۳۱	
کلیدواژه‌ها: غزل، انسجام ساختاری، پیوند معنایی، هسته‌ی مرکزی، حافظ، شهریار.		
<p style="text-align: right;"><b>چکیده</b></p> <p>یکی از موضوعات بحث‌انگیز پیرامون غزل حافظ چگونگی ساختار غزل اوست. موافقان وجود انسجام در ساختار غزل‌های حافظ، بر این باورند که ابیات غزل شاید در نگاه نخستین گسسته و پاشان احساس شود ولی از ساختاری منسجم و هسته‌ی مرکزی برخوردار است که سایر ابیات یک غزل، با آن پیوند معنایی دارند و فرض استقلال ابیات، به معنای غزل حافظ آسیب می‌رساند. مخالفان این نظریه معتقدند که ابیات در یک غزل، مستقل از هم است و این ویژگی غزل‌های حافظ را برگرفته از شیوه‌ی قرآن کریم می‌دانند و به همین جهت در شرح غزل‌های حافظ، بدون توجه به پیوند ابیات و وجود هسته‌ی مرکزی، ابیات غزل را به طور مستقل شرح می‌دهند. استاد شهریار، با توجه به این که بیش از هر شاعری به حافظ علاقه‌مند بود و خود را تربیت یافته‌ی مکتب حافظ می‌دانست علاوه بر استفاده از مضامین شعری حافظ، در بیش از شصت غزل، به استقبال غزل‌های حافظ رفته است و در این غزل‌ها، به ساختار معنایی غزل حافظ نیز توجه داشته است و در برخی موارد، با وجود پیوند معنایی میان ابیات، غزل او نیز گسسته نماند. نویسنده با بررسی برخی از غزل‌های حافظ و شهریار، ساختار منسجم معنایی غزل این دو شاعر را آشکار کرده و عوامل این انسجام و ارتباط معنایی ابیات غزل با یکدیگر را بیان کرده است.</p>		

## فهرست مطالب

عنوان ..... صفحه

### فصل اوّل - کلیّات و روش تحقیق

۱-۱ مقدمه .....	۲
۲-۱ بیان مسأله .....	۴
۳-۱ سوّالات و فرضیه‌ها .....	۷
۱-۳-۱ سوّالات تحقیق .....	۷
۲-۳-۱ فرضیه‌ها .....	۷
۴-۱ هدف و ضرورت تحقیق .....	۸
۱-۴-۱ ضرورت تحقیق .....	۸
۲-۴-۱ اهداف تحقیق .....	۹
۵-۱ پیشینه‌ی تحقیق .....	۹
۵-۱ روش اجرای تحقیق .....	۱۲

### فصل دوّم - مبانی نظری تحقیق

۱-۱-۲ ساختار متن .....	۱۴
۲-۱-۲ ساختار نظم .....	۱۵
۳-۱-۲ ساختار روایت .....	۱۵
۲-۲ ساختار معنایی در غزل حافظ و شهریار .....	۱۵

۳-۲- نگاه‌ی بر تأثیر پذیری شهریار از حافظ ..... ۱۷

۱-۳-۲- اقتباس ..... ۱۸

۲-۳-۲- تضمین ..... ۲۰

۳-۳-۲- توجه به مضمون‌های غزل حافظ ..... ۲۴

۴-۳-۲- پیوند معنایی در ساختار غزل ..... ۲۶

### فصل سوم - بحث و بررسی

۱-۱-۳- غزلی از حافظ (الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها) ..... ۲۷

۲-۱-۳- غزلی همسان از شهریار (جبین بگشا که می‌بندیم از این غمخانه محملها) ..... ۳۰

۱-۲-۳- غزلی از حافظ (اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را) ..... ۳۳

۲-۲-۳- غزلی همسان از شهریار (اگر آن دختر ترسا بیاراید کلیسا را) ..... ۳۵

۱-۳-۳- غزلی از حافظ (صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را) ..... ۳۸

۲-۳-۳- غزلی همسان از شهریار (به چشم این همه مژگان به هم مزن یارا) ..... ۳۹

۱-۴-۳- غزلی از حافظ (دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را) ..... ۴۲

۲-۴-۳- غزلی همسان از شهریار (ما مستمند و مسکین دلبر دنی و دارا) ..... ۴۴

۱-۵-۳- غزلی از حافظ (ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت) ..... ۴۷

۲-۵-۳- غزلی همسان از شهریار (ای چشم خمارین که کشد سرمه‌ی خوابت) ..... ۴۸

۱-۶-۳- غزلی از حافظ (به کوی میکده هر سالکی که ره دانست) ..... ۵۲

۲-۶-۳- غزلی همسان از شهریار (به کان لعل تو هر مشتری که راه دانست) ..... ۵۴



- ۳-۷-۱- غزلی از حافظ (شاهد آن نیست که موی و میانی دارد) ..... ۵۶
- ۳-۷-۲- غزلی همسان از شهریار (چشم و ابروی تو تا تیر و کمانی دارد) ..... ۵۸
- ۳-۸-۱- غزلی از حافظ (دلم جز مهر مهرویان طریقی بر نمی‌گیرد) ..... ۶۱
- ۳-۸-۲- غزلی همسان از شهریار (نپنداری که دل هر دم فغان از سر نمی‌گیرد) ..... ۶۳
- ۳-۹-۱- غزلی از حافظ (در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد) ..... ۶۶
- ۳-۹-۲- غزلی همسان از شهریار (کلک نقاش ازل کز ابدیت دم زد) ..... ۶۹
- ۳-۱۰-۱- غزلی از حافظ (اگر روم ز پی‌اش فتنه‌ها برانگیزد) ..... ۷۳
- ۳-۱۰-۲- غزلی همسان از شهریار (چو آفتاب به شمشیر شعله برخیزد) ..... ۷۴
- ۳-۱۱-۱- غزلی از حافظ (نقد صوفی نه همه صافی بی‌غش باشد) ..... ۷۷
- ۳-۱۱-۲- غزلی همسان از شهریار (شمع مسکین نه سوزنده و سرکش باشد) ..... ۷۸
- ۳-۱۲-۱- غزلی از حافظ (اگر می‌فروش حاجت رندان روا کند) ..... ۸۱
- ۳-۱۲-۲- غزلی همسان از شهریار (میخانه گر به رخ در میخواره وا کند) ..... ۸۳
- ۳-۱۳-۱- غزلی از حافظ (آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند) ..... ۸۶
- ۳-۱۳-۲- غزلی همسان از شهریار (آنان که سرمه از رد پای شما کنند) ..... ۸۸
- ۳-۱۴-۱- غزلی از حافظ (دوش در حلقه‌ی ما قصه‌ی گیسوی تو بود) ..... ۹۱
- ۳-۱۴-۲- غزلی همسان از شهریار (رو به هر قبله که کردم صنما سوی تو بود) ..... ۹۳
- ۳-۱۵-۱- غزلی از حافظ (یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور) ..... ۹۶
- ۳-۱۵-۲- غزلی همسان از شهریار (اسم اعظم باز گردد با سلیمان غم مخور) ..... ۹۸

- ۱۰۲.....۳-۱۶-۱- غزلی از حافظ (فاش می‌گویم از گفته‌ی خود دلشادم)
- ۱۰۴.....۳-۱۶-۲- غزلی همسان از شهریار (زادن من سفر و عشق تو باشد زادم)
- ۱۰۷.....۳-۱۷-۱- غزلی از حافظ (حجاب چهره‌ی جان می‌شود غبار تنم)
- ۱۰۹.....۳-۱۷-۲- غزلی همسان از شهریار (همای طایر جان بسته در طناب تنم)
- ۱۱۱.....۳-۱۸-۱- غزلی از حافظ (بالا بلند عشوه‌گر نقش‌باز من)
- ۱۱۳.....۳-۱۸-۲- غزلی همسان از شهریار (گر گوشمال عشق نبودی به ساز من)
- ۱۱۶.....۳-۱۹-۱- غزلی از حافظ (تاب بنفشه می‌دهد طره‌ی مشک سای تو)
- ۱۱۸.....۳-۱۹-۲- غزلی همسان از شهریار (ای شب و روز و مهر و مه پرده‌ی سینمای تو)
- ۱۲۰.....۳-۲۰-۱- غزلی از حافظ (ساقی بیا که قدح لاله شد پر ز می)
- ۱۲۲.....۳-۲۰-۲- غزلی همسان از شهریار (آمد بهار و لاله شد از ژاله پر ز می)

#### فصل چهارم - نتیجه‌گیری

- ۱۲۶.....۴- نتیجه‌گیری
- ۱۲۸..... منابع و مآخذ

# فصل اوّل

## کلیّات و روش تحقیق

بحث ساختارگرایی یکی از مباحث مهم علوم انسانی است که توسط سوسور مطرح شد و بعد از جنگ دوّم جهانی رواج پیدا کرد. از دیدگاه سوسور «زبان، مجموعه‌ی پراکنده‌ای از عناصر متجانس نیست، بلکه دستگاه منسجمی است که در آن هر جزء به جزء دیگر وابستگی دارد و ارزش هر واحد، تابع وضع ترکیبی آن است» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۸۵). برخی‌ها از ساختارگرایی به عنوان یک رویکرد اندیشمندانه یاد کرده‌اند و درباره‌ی کاربرد آن، چنین گفته‌اند: «ساختارگرایی در مورد هر تحلیلی که بر ساختار و مناسبات درونی اجزاء آن، تاکید می‌کند، توجیه می‌شود» (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۰) و با این اندیشه که «پدیدارهای اجتماعی و فرهنگی نباید همچون امور و رویدادهای فیزیکی دانسته شود بل امور و رویدادهایی هستند که دارای معنایند و در نتیجه، دلالت آنها باید در مرکز پژوهش قرار گیرد» (همان: ۱۴)، به معنانشناسی ساختاری می‌پردازند. و روش کار خود را این گونه بیان می‌کنند: «روش کار ما هم نمی‌تواند روش علیّ متعارف یا روش بررسی یک به یک پدیدارها باشد، بل باید به ضرورت تحلیل درونی (یعنی مجموعه مناسبات بین اجزاء ساختار) در هر پدیدار استوار شود» (همان: ۱۴). از این روی، نقد ساختاری بر آن است که باید «عناصر به وجود آورنده‌ی ساختار شعر، در ارتباط متقابل با یکدیگر و ارتباط با کلیّت ساختاری بررسی شود نه آنکه عناصر به طور جداگانه نقد و تحلیل شوند.» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۸۵).

در بحث ساختارگرایی غزل فارسی، با استخراج ساختار یکایک ابیات به صورت مجزا و برقرار ساختن ارتباط معنایی بین آنها، به نشان دادن دلالتی می‌پردازند که هسته‌ی مرکزی غزل را تشکیل می‌دهد و میان ابیات، پیوند معنایی ایجاد می‌کند.

در غزل‌های حافظ و به تبع آن شهریار، با وجود نوعی گسستگی ظاهری میان ابیات، ما با پیوند معنایی پوشیده‌ای مواجه هستیم که از انسجام معنایی بالایی برخوردار است و با کشف آن پیوند، می‌توانیم به هسته‌ی مرکزی غزل که تمامی ابیات با آن پیوند معنایی دارند، دست یابیم.

دکتر پورنامداریان در کتاب گمشده‌ی لب دریا به تفصیل در باره‌ی ساختار معنایی غزل‌های حافظ بحث کرده است و اشاره کرده است که شعر حافظ در گرو مضمون‌های از پیش ساخته شده نیست و با وجود این‌که زبان شعری حافظ از تنگنای تک معنایی خارج است دارای ساختار معنایی و هسته‌ی مرکزی است. به نظر وی «عدم وضوح پیوند ظاهری ابیات غزل‌های حافظ ناشی از حادثه‌ای متأثر از حساسیت به مقام برزخی انسان و استنباط خاص از تقدیر ازلی او بر مبنای داستان آفرینش و دیدن جهان و جامعه از دریچه این جهان است که به آن حادثه ذهنی ابعاد گوناگون می‌بخشد» (پورنامداریان، ۱۳۸۴: ۲۲۶).

پیشانی ظاهری ابیات حافظ که متأثر از نظم و نظام قرآن می‌باشد با وجود اشاره‌ی چندین باره‌ی خویش، حاکی از توغّل و تأمل وی در قرآن است که آیه‌های مبارکه قرآن نیز بر خلاف گسسته‌نمایی ظاهری، از پیوند عمیقی برخوردار است. «ساختمان غزل‌های حافظ که ابیاتش بیش از هر غزل‌سرای دیگر استقلال، یعنی تنوع و تباعد دارد، بیش از آنچه متأثر از سنت غزل‌سرایی فارسی باشد، متأثر از ساختمان سور و آیات قرآن است» (خرمشاهی، ۱۳۸۷: ۹۲). در واقع «چندگانگی‌ای که ما در مضامین یک غزل می‌بینیم، از لحاظ منطق کوچه و بازار، سیمای چندگانه دارند؛ در منطق عارفانه، موضوع به نفع دیگر روی می‌نماید. به این حساب، بر خلاف تغایرهای ظاهری، نوعی ربط نهانی در میان مضمونها وجود دارد» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۴: ۳۵).

خواجeh شیراز، در بیتی زیبا که در غزلی عرفانی با ظرافت خاصی سروده است به پیوند معنایی ابیات، در عین گسستگی و پیشانی ظاهری اشاره کرده است:

در خلاف آمد عادت بطلب کام که من      کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

(حافظ، ۱۳۷۱: ۲۶۴)

هرچند این بیت، بیتی عرفانی است ولی می‌تواند اشاره‌ای به جمعیت (پیوند) در عین پریشانی ظاهری ابیات داشته باشد چه بسا خواجه‌ی شیراز در این بیت، پوشیده به این امر نظری دارد.

شهریار، شاعر بزرگ معاصر، با توجه به این که در سرودن غزل‌های فارسی، حافظ را الگوی خویش قرار داده است (حتی تخلص خود را از دیوان حافظ انتخاب کرده است)، همچنین آشنایی و انسی که با قرآن داشته است، بی‌تردید نمی‌تواند در نظم اشعار خویش از تأثیر آنها برکنار باشد، «گرایش او به حافظ بیش از هر شاعر دیگر را، در میل درونی صورت نوعی شاعری او باید جست» (علیزاده، ۱۳۷۴: ۳۵۶).

ابیات برخی از غزل‌های شهریار چون ابیات شعر حافظ گسسته نمانست ولی با کمی دقت، می‌توان فهمید که ابیات، علاوه بر ارتباط در محور افقی، از ارتباط عمودی (پیوند معنایی با هسته مرکزی و ابیات پسین و پیشین) نیز برخوردار است.

علاوه بر این، غزل حافظ و شهریار توسط برخی کلمات که با یکدیگر تناسب معنایی دارند، با هم ارتباط معنایی برقرار کرده‌اند چرا که تناسب به تسلسل فکر و تداعی معانی کمک می‌کند و ربط مفاهیم را موجب می‌گردد که خواننده به طرزی خوشایند، از مفهومی به مفهومی بلغزد (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۴: ۵۱).

در برخی موارد این ارتباط معنایی توسط ردیف ایجاد شده است. به این معنی که ردیف یک غزل، گاهی در غزل‌های مردّف، میان ابیات به ظاهر مستقل غزل، در محور عمودی پیوند به وجود می‌آورد و «مانند زنجیره‌ای ابیات را در انتها به همدیگر متصل می‌دارد و وجه مشترکی در میان آنها پدید می‌آورد» (همان: ۴۰).

## ۱-۲- بیان مسأله

ساختارگرایی یکی از مکاتب و نظریه‌های ادبی است که در اوایل قرن بیستم مطرح شد و رفته رفته در حوزه‌های مختلف علوم گسترش یافت. در واقع «ساختارگرایی ادبی اگرچه به عنوان روشی علمی، پیشینه‌ای طولانی دارد. اما به عنوان نظریه‌ای درباره‌ی شکل و ساختار، بیشتر در سده‌ی حاضر رواج یافته و به ویژه از نیمه‌ی دوم این سده گسترش چشمگیر و همه جانبه‌ای در رشته‌های گوناگون از جمله مطالعات ادبی پیدا کرده است» (اخلاقی، ۱۳۷۶: ۲۰).

«ساختارگرایی ادبی در دهه‌ی ۱۹۶۰ شکوفا شد و در آغاز کوششی بود به منظور به کار بستن روش‌ها و دریافت‌های فردینان دو سوسور، بنیانگذار زبان‌شناسی ساختاری نوین در عرصه ادبیات» (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۱۳۲). این دهه، همان زمانی است که بیشتر جریانات ادبی امروز، یا در حال شکوفایی بودند یا در اوج خود به سر می‌بردند. می‌توان گفت؛ نیمه‌ی دوم قرن بیستم در تحولات ادبی امروز بسیار مؤثر است و یکی از درخشان‌ترین مراحل تاریخی در تکوین و شکل‌گیری نظریات ادبی و پژوهش‌های تطبیقی غرب محسوب می‌شود. بدین ترتیب ساختارگرایی نیز شکل گرفت و به تدریج گسترش یافت. منتقدان و پژوهشگران آثار ادبی، از لحاظ تاریخی ساختارگرایی را به دو دوره یا مرحله تقسیم می‌کنند: «نخست جنبش شکل‌گرایان روس در نخستین دهه‌های قرن بیستم که موضوع اصلی پژوهش آن شکل‌ اثر ادبی بود و سپس ساختارگرایی نوین که از نیمه‌ی دوم این سده در فرانسه گسترش یافت و بررسی ساختاری متن ادبی از دستاوردهای آن بود» (اخلاقی، ۱۳۷۶: ۲۲).

به عبارت دیگر برای به وجود آمدن یک اثر ادبی عوامل، گوناگون به طور مستقیم یا غیر مستقیم دخالت دارند. این عوامل به وجود آورنده باعث می‌شود که یک اثر ادبی مورد توجه و یا ردّ مخاطبان خود قرار گیرد و به بیانی دیگر شدت و ضعف یک اثر از عوامل به وجود آورنده‌ی آنها نشأت می‌گیرد. ساختار یکی از عوامل مهم در ایجاد اثر ادبی است و باعث می‌گردد که یک اثر از نظر شدت و ضعف جریانات موجود در آن مورد بررسی قرار گیرد. ساختار ارتباط اجزای تشکیل دهنده‌ی یک اثر ادبی با هم است که باعث می‌شود یک وحدت موضوعی کل ایجاد شود و در عین جامعیت اثر، اجزای تشکیل دهنده‌ی آن استقلال خود را نیز به عنوان مجموعه‌ی تشکیل دهنده از دست ندهند. تعاریفی که از ساختار ارائه شده است، نیز تا حدودی مؤید همین مطالب است: «ساختار یا ساخت، حاصل روابط متقابل کلیه-ی عناصری است که اثر را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، ساختار نتیجه‌ی ارتباط ضروری میان اجزای یک کل هنری است که موجب یکپارچگی اثر می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۸۵). این تناسب و ارتباط هر چند ظاهراً آفریده‌ی نویسنده یا مؤلف به صورت آگاهانه باشد ولی معمولاً چندان ربطی به نیت او

ندارد (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۷۵). یا این تعریف که «مفهوم دقیق و فلسفی ساختار، پیوند ارگانیک قالب و محتواست» (زرشناس، ۱۳۸۷: ۲۵۲). به عبارت بهتر «نگرش خودبسنده به ساختار، و تکیه بر این مفروضه که جهان از مناسبات شکل گرفته و نه از چیزها، وقتی به یک اثر هنری یا ادبی می‌نگرد، عمده‌ی توجه خود را معطوف عناصر و اجزای سازنده‌ی آن اثر و به ویژه مناسبات میان آن‌ها می‌کند» (همان: ۲۳۹). در واقع «ساختار، کلیتی است که اجزایی مستقل را در بر گرفته و از آن‌ها ارگانیک‌ی نو را بنیان نهاده است» (بهشتی، ۱۳۷۵: ۱۸). و به همین جهت، از دیدگاه ساختارگرایان فصاحت برای لفظ به تنهایی و بدون ارتباط با کلام و عبارتی که در آن است اعتباری ندارد بلکه آن را صفت کلمه‌ای لحاظ می‌کنند که مرتبط با کلمات و الفاظ دیگر است و معنایش به معنای کلماتی که در پی آن می‌آید، پیوستگی و ارتباط دارد. (غریب، ۱۳۸۷: ۱۶۷)

بنابراین می‌توان گفت؛ در ساختارگرایی، شناخت هر پدیده‌ای منوط به بررسی قواعد و الگوهای است که باعث به وجود آمدن آن پدیده شده است. هر کدام از این قواعد و الگوها می‌توانند یک ساختار محسوب شوند و با بررسی و تجزیه و تحلیل این ساختارها و عناصر سازنده‌ی متن می‌توان به شناخت بیشتری از این متون دست یافت. «در ادبیات، ساختارگرایی عبارت است از تحقیق در ساختارهای آثار ادبی و شناخت انواع این آثار. این تحقیق هم درباره‌ی ادبیات به عنوان یک کل، و هم یک نوع ادبی و سرانجام یک اثر ادبی می‌تواند باشد. در حقیقت کار ساختارگرایی، تجزیه‌ی ادبیات، تفکیک آثار و انواع ادبی از یکدیگر و تجزیه‌ی یک اثر ادبی به اجزای متشکله‌ی آن است» (فروزنده، ۱۳۸۶: ۶۷).

ساختار معنایی گونه‌ای از ساختارگرایی است که در ادبیات فارسی به صورت علمی سابقه‌ی طولانی ندارد. تا به اکنون بررسی ساختار معنایی در غزل فارسی، بیش از شعر هر شاعری در باره‌ی غزل‌های حافظ صورت گرفته است و پژوهشگران دیدگاه‌های خود را در باره‌ی ساختار غزل‌های حافظ مطرح کرده‌اند. برخی‌ها برای نشان دادن پیوند معنایی ابیات یک غزل با همدیگر به نشان دادن دلالت‌هایی پرداخته‌اند و بر وجود انسجام معنایی ابیات غزل حافظ تأکید کرده‌اند و برخی دیگر معتقدند که



ابیات غزل حافظ با یکدیگر ارتباط معنایی ندارند و هر بیتی از غزل حافظ سازی مستقل می‌زند و این پریشانی ابیات غزل را بیشتر برگرفته از سور قرآنی بیان کرده‌اند. غزل‌های شهریار - شاعر بزرگ معاصر که در اشعار خویش از حافظ پیروی کرده است- در برخی موارد همچون غزل‌های حافظ به ظاهر از لحاظ وحدت موضوعی گسسته به نظر می‌رسد اما با کمی تأمل می‌توان دریافت که ابیات غزل با همدیگر تناسب معنایی دارند و غزل از انسجام و پیوند معنایی برخوردار است.

### ۱-۳-۳- فرضیه‌ها

#### ۱-۳-۱- سوالات تحقیق

- ۱- آیا ابیات حافظ و به تبع آن شهریار در یک غزل، مستقل است یا با هم پیوند معنایی دارند؟
- ۲- آیا در اشعار این دو شاعر می‌توان هسته‌ی مرکزی پیدا کرد که سایر ابیات غزل با آن در ارتباط باشند؟
- ۳- آیا ابیات غزل حافظ با توجه به گسسته نما بودن دارای انسجام معنا است؟
- ۴- چگونه گسسته‌نما بودن ابیات یک غزل راه را برای تأویل ابیات می‌گشاید؟

#### ۱-۳-۲- فرضیه‌ها

فرضیه‌ی اول پژوهش این است که در ابیات غزل حافظ با وجود استقلال ظاهری، پیوند معنایی وجود دارد که این پیوند، می‌تواند با استفاده از آرایه‌ی مراعات نظیر، موقوف المعانی، مضمون‌های همگون و هم معنی و گاهی اوقات به واسطه‌ی ردیف در غزل‌های مردّف، باشد. ابیات در غزل شهریار نیز در برخی موارد، هرچند دارای گسستگی ظاهری است ولی از ارتباط معنایی عمیقی برخوردار است.

فرضیه‌ی دوم پژوهش این است که ابیات غزل حافظ و شهریار با وجود گسسته‌نمایی، از هسته‌ی مرکزی برخوردار است که با توجه به آن، می‌توان انسجام معنایی و پیوند باطنی ابیات با یکدیگر را نشان داد و کار هسته‌ی مرکزی است که سایر ابیات به ظاهر مستقل را به هم ربط دهد پس فرض ما بر این است که اشعار این دو شاعر دارای هسته‌ی مرکزی است.

فرضیه‌ی سوم پژوهش این است که با توجه به این‌که طرز بیان حافظ متأثر از شیوه‌ی قرآن است و قرآن از انسجام معنایی بالایی برخوردار است، این سوال مطرح می‌شود که چگونه ممکن است شعر حافظ از انسجام معنایی برکنار ماند؟ شعر حافظ با وجود گسسته‌نما بودن از انسجام معنایی برخوردار است.

فرضیه‌ی چهارم این است که با وجود عدم پیوند معنایی ظاهری و وجود ابهام خاص در شعر حافظ «که شعر را از نظر معنایی گسسته‌نما می‌کند و آن را به ظاهر چند مضمونی جلوه می‌دهد در حالی که پیوستگی مضامین از طریق کشف هویت مخاطبان و هشیاری نسبت به این تغییر، می‌تواند تأویل شعر را در جهت انسجام بخشیدن به متن ممکن سازد. اگر ما نتوانیم این انسجام متن را از طریق کشف همین التفات‌ها و نزدیک کردن فاصله‌ی معنایی میان ابیات نشان بدهیم جز توضیح دادن مشکلات لغوی و تلمیحات و مفردات - که در جای خود مفید است اگر دقیق باشد - کاری انجام نداده‌ایم. به هر حال این ابهام معنایی و عدم پیوند ظاهری میان ابیات برجسته‌ترین خصوصیت شعر حافظ و یکی از شگردهای برجسته سازی اوست که هم انگیزه تأویل و کشف بافت موقعیت ثانی شعر می‌گردد و هم چنین تأویلی را برای درک عمیق شعر حافظ و لذت بردن از آن ایجاب می‌کند» (پور نامداریان، ۱۳۸۴: ۲۰۵-۲۰۴).

#### ۴-۱- هدف و ضرورت تحقیق

##### ۴-۱-۱- ضرورت تحقیق

بحث ساختارگرایی معنایی یا رویکرد ساختاری، در ادبیات فارسی نوپاست و هنوز چندان مورد توجه منتقدان و محققان قرار نگرفته است و در آثاری که به نقد ساختاری پرداخته شده، بیشتر به اشعار یک شاعر به صورت مستقل توجه شده است و محققان از تحلیل تطبیقی اشعار شاعران، غافل بوده‌اند. لذا بررسی تطبیقی ساختار معنایی اشعار شاعران به جهت نشان دادن انسجام اشعار آن‌ها ضرورت دارد.

#### ۱-۴-۲- اهداف تحقیق

بررسی ساختار معنایی غزل حافظ و شهریار.

نشان دادن پیوند باطنی میان ابیات غزل.

شناسایی هسته‌ی مرکزی غزل که باعث پیوند میان ابیات می‌شود.

#### ۱-۵- پیشینه‌ی تحقیق

در مورد موضوع این تحقیق، تاکنون کتابی یا مقاله‌ای با این عنوان به صورت مستقل نگاشته نشده است. در چند سال اخیر در کتاب‌هایی که به شرح غزلیات یا اندیشه‌های حافظ پرداخته‌اند به موضوع ساختارگرایی یا ساختارشکنی در غزل حافظ، اشاره شده است و مقالاتی در زمینه‌ی ساختار معنایی غزل حافظ چاپ شده است؛ اما در باره‌ی ساختار معنایی غزل شهریار، تاکنون هیچ کتابی و مقاله‌ای نوشته نشده است. همچنین در چندین کتاب به ساختار شعر فارسی اشاره شده است.

۱- آشوری، د، ۱۳۸۵. عرفان و رندی در شعر حافظ.، نشر مرکز، تهران.

آشوری در این کتاب با روش جدید تفسیر شناسی به شعر حافظ نگریسته است و خود در باره‌ی کتابش چنین نوشته است: «در این کتاب که هدف آن تفسیر هرمنوتیکی شعر حافظ به قصد معناگشایی ساختاری آن است، نظر نویسنده به کار برد هرمنوتیک برای معناگشایی یک متن شاعرانه است» (آشوری، ۱۳۸۵: ۱۴)

۲- احمدی، ب، ۱۳۸۱. ساختار و هرمنوتیک، انتشارات گام نو، تهران.

احمدی در بخش اول (درس یکم) کتاب، به پیشینه و زمینه‌ی ساختارگرایی اشاره کرده است و در این بخش به تعریف ساختارگرایی و سرچشمه و موقعیت تاریخی آن و در بخش دوم به مفاهیم بنیادین و سنجش ساختارگرایی پرداخته است.

۳- پورنامداریان، ت، ۱۳۸۴. گمشده‌ی لب دریا، انتشارات سخن، تهران.

دکتر پورنامداریان در این کتاب، در بخش «ساختار، پیوند معنایی، تأویل» به طور مفصل درباره‌ی ساختار غزل حافظ بحث کرده است و بر این باور است که میان ابیات غزل حافظ «پیوند معنایی» وجود دارد و معتقد است که حافظ، با اعتقاد به مقام برزخی انسان و تصویر و تجسم این عقیده در جهان شعری خود و حضور حادثه‌ای متأثر از حساسیت به این مقام در ذهن وی، کلمات را علاوه بر معانی اولیه، در معانی ثانوی تداعی می‌کند و به این ترتیب، میان ابیات غزل رابطه‌ی عمیق معنایی برقرار می‌کند. پورنامداریان با آوردن نمونه‌ای از ابیات و غزل حافظ و تحلیل ساختار آنان، سعی در اثبات وجود پیوند باطنی میان ابیات غزل حافظ را دارد.

۴- پورنامداریان، ت، ۱۳۸۹. تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با زبان‌شناسی نقش‌گرا،

مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، شماره ۶۷.

پورنامداریان در این مقاله با استفاده از نظریه‌ی تکامل یافته‌ی هلیدی و حسن در زبان‌شناسی نقش-گرا به تحلیل انسجام و پیوستگی غزلی از حافظ پرداخته است و سپس بر اساس این نظریه به اثبات انسجام غزل حافظ پرداخته است.

۵- حمیدیان، س، ۱۳۷۳. بحثی در ساختار غزل فارسی، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره‌ی چهارم.

دکتر حمیدیان در این مقاله ابتدا در باره‌ی ساختار غزل فارسی بحث کرده است و سپس به بررسی ساختار غزل حافظ پرداخته است. از دیدگاه وی آوردن مدح و اندیشه‌های عرفانی باعث تنوع مضمون در ساختار غزل فارسی می‌شود و در باره‌ی ساختار شعر حافظ معتقد است که ابیات غزل حافظ اگرچه به ظاهر دارای رو ساختی گسسته است و لیکن دارای انسجام معنایی در ژرف ساخت است.

۶- خرّمشاهی، ب، ۱۳۸۷. حافظ حافظه‌ی ماست، نشر قطره، تهران.

خرّمشاهی در این کتاب، در مقاله‌ی «قرآن و اسلوب هنری حافظ» با اشاره به عدم پیوستگی و آساق ظاهری قرآن و برشمردن نظرات قرآن‌شناسان شرقی و غربی، چون طه حسین، آرتور جان بری و ریچارد بل، مبنی بر عدم انسجام منطقی آیات قرآن، در پی اثبات عقیده‌ی خویش است و این عدم پیوند